

مسعود: آزادی، اندیشه اسلامی و نوگرایی دینی

متن سخنرانی آقای دکتر ابراهیم یزدی در جلسه افتتاحیه مراسم کنگره بین المللی ششمین سالگرد شهادت احمد شاه مسعود

کابل ۱۳۸۶/۵/۱۷

بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين

با سلام خدمت خانم ها و آقایان، خواهران و برادران و با درود و صلوات بر شهدای استقلال و آزادی افغانستان، به خصوص شهید احمد شاه مسعود.

۱- قبل از هر چیز، از جانب خود و اعضاء هیئت ایرانی شرکت کننده در این مراسم از بنیاد مسعود، به خاطر برگزاری این مراسم و دعوتی که انجام گرفته است تشکر می نمایم.

هیئت ایرانی شرکت کننده در این مراسم، به ابتکار نیکوی بنیاد مسعود، اولاً دولتی نیست.

ثانیاً طیفی از فعالان سیاسی، فرهنگی، مطبوعاتی، از محافظه کاران یا اصولگرایان و روشن فکران دینی، از نهضت آزادی ایران و نیروهای ملی - مذهبی را در بر می گیرد.

احمد شاه چهره ناشناخته‌ای برای ایرانیان نیست. بسیاری از ایرانیان او را به عنوان یک قهرمان ملی مردم افغانستان می شناسند.

۲- خداوند کریم در قرآن مجید (احزاب ۲۳) می فرماید: از مومنین کسانی هستند که با صداقت با خدای خود عهد و پیمان بسته‌اند. بعضی از آنان به عهد خود وفا کرده و به خدای خود پیوسته‌اند و برخی دیگر در انتظار وفای به عهد خود می باشند. احمد شاه مسعود از آن مؤمنانی بود که با صداقت با خدای خود و ملت افغانستان پیمان بست و جان خود را بر سر پیمانی که بسته بود هدیه کرد، شهید شد تا بر آنچه پیمان بسته بود گواه و شاهد باشد. او خود گفته بود که دو آرزو دارد: پیروزی در جنگ رهایی بخش و یا شهادت.

او به آرزوی شهادت رسید. اما این خداوند است که می فرماید: هرگز کسی را که در راه خدا کشته می شود مرده مپندارید. او زنده است و از نزد پروردگارش روزی دریافت می نماید (آل عمران ۱۶۸).

احمد شاه مسعود یک وجود جسمانی / فیزیکی داشت که از خاک بر آمده بود و اکنون در خاک خفته است. اما به قول مولانا جلال الدین:

ای برادر تو همه اندیشه‌ای مابقی خود استخوان و ریشه‌ای

شهید مسعود یک هویت، یک اندیشه و یک آرمان بود، که نمرده، زنده و در حال رشد و شکوفایی است.

اندیشه او پاسخی یا راه حلی است به بحرانهای سرنوشت ساز کنونی افغانستان.

۳- در عنوان این کنفرانس برای شناخت احمد شاه مسعود سه محور: آزادی، اندیشه اسلامی و نوگرایی دینی مورد توجه قرار گرفته است.

در اندیشه شهید مسعود معنا و جایگاه آزادی چیست و کجاست؟

در علوم سیاسی آزادی دو معنا دارد: ۱- آزادی از یا freedom from و ۲- آزادی برای یا freedom for. معنای اول آزادی یعنی آزاد و رها شدن انسان از تمام عناصر و عواملی که انسان را اسیر و برده خود سازد و حق انتخاب را از انسان سلب می نماید. عوامل سلب اختیار انتخاب آزادانه از انسان ممکن است گاهی ظلم و ستم اقتصادی یا استثمار باشد، گاهی ستم سیاسی یا استبداد باشد. و گاهی سلطه و سیطره یک نیروی اشغالگر خارجی و گاهی هم جهل و نادانی. یکی از ارکان اصلی اندیشه شهید مسعود، آزادی از یوغ اسارت بیگانگان در راستای سنت مبارزات و مقاومت های مردم افغانستان در برابر نیروهای اشغالگر خارجی می باشد.

این آزادی را مسعود نه فقط برای خودش و یا قوم و قبیله ای خاص، که برای کشورش و همه مردم افغانستان می خواست. در اندیشه شهید مسعود آزادی هم چنین به معنای رها بودن از فقر و محرومیت و بی عدالتی بود. او نه فقط برای استقلال کشورش، بلکه برای آزادی ملت و عدالت اجتماعی می جنگید. معنا و مفهوم "آزادی از" دقیقاً از دیدگاه و قرائت ویژه از اندیشه اسلامی و کلمه مبارکه لا اله الا الله سرچشمه می گیرد. در این اندیشه، کلمه اول شهادتین که: لا اله الا الله است. دو بخش دارد:

بخش اول - لا اله، یعنی هنگامی که انسان از تمام عوامل و عناصر اسارت باری که اراده فرد را مهار کرده و به زیر سلطه خود کشیده است، آگاهی پیدا می کند و به آن جایی می رسد که می تواند آزادانه آن ها را نفی و انکار نماید و خود را از سیطره تمام عوامل برده ساز رها و آزاد نماید تا حق انتخاب را بدست آورد و انتخاب نماید. معنای بخش دوم: "الا الله"، یعنی هنگامی که انسان از تمام الهه ها ی برده ساز آزاد و رها شد و حق انتخاب را بدست آورد الله را بر می گزیند. در این قرائت از دین، حقوق طبیعی انسان برسمیت شناخته شده است و توسعه اقتصادی و سیاسی هر دو در نهایت در خدمت توسعه انسانی قرار دارد. و توسعه انسانی به معنای شکوفا شدن تمامی استعدادها و توانمندی های خدادادی انسان است.

در این قرائت از دین، خداوند انسان را آزاد و مختار خلق کرده است. و توسعه انسان در گرو تحقق تمامی حقوق و آزادی های اساسی انسان است، آزادی فکر و اندیشه، آزادی قلم و بیان و تعیین سرنوشت است. مبارزه برای آزادی، انسانی ترین و ضروری ترین نوع مبارزه است.

در اندیشه شهید مسعود، آزادی با رهایی کشور از اشغال بیگانگان به پایان نمی رسد. بلکه کسب استقلال مقدمه ای واجب برای تحقق حقوق و آزادی های اساسی مردم است.

۴- اندیشه اسلامی و نوگرایی

بی تردید احمد شاه مسعود یک موحد و دین دار بود. اما سؤال اساسی این است که دین داری و دین محوری او از چه جنسی بود؟

درک احمد شاه مسعود از آزادی و از مبارزه علیه اشغالگران، علیه سیطره جهل، علیه واپس گرایی، از نوع اندیشه اسلامی او سر چشمه می گرفت.

اما آیا او فقط یک نو اندیش دینی بود که در قلمرو بازسازی نظری باورهای دینی قلم می زد؟

دنیای اسلام در طی دو قرن گذشته دچار تلاطم‌ها و بحران‌های وسیعی شده است. مسلمانان در سرتاسر جهان یک دوران انتقالی تاریخی را طی می‌کنند.

در طی دو قرن گذشته رویدادهای زیادی رخ داده است که مسلمانان را از خواب گران چندین قرنی بیدار ساخته است. جنبش‌های بیدارگری، احیاءگری، اصلاح دینی از ویژگی‌های این دوران است. اما مسلمانان در فرایند بیداری و احیاءگری و اصلاح دینی، نهایتاً با این پرسش اساسی روبرو شده اند که کدام اسلام؟ اسلام معطوف به قرآن و سنت معتبر رسول گرامی یا سنن دینی رایج میان مسلمانان؟ در پاسخ یا واکنش به این پرسش دو گرایش یا جنبش شکل گرفته است: جنبشی که بازسازی و نوسازی اندیشه دینی را ضروری می‌داند. و گروهی که نه تنها آنرا ضروری نمی‌داند بلکه راه حل را بازگشت به گذشته و در احیای احساس دینی در قالب و شکل سنت‌های گذشته رایج و غالب مسلمانان می‌داند. گرایش اول یا حرکت نواندیشی دینی در فرآیند رو به رشد خود، جریان روشنفکری دینی را پدید آورده است. روشنفکری دینی، نظیر هر روشنفکری دیگر، رسالت و سودا و تعهد تغییر مناسبات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی را، در چارچوب قرائت‌های جدید از متن یا نصّ اصلی دین بر عهده گرفته است. به عبارت دیگر روشنفکر دینی تنها یک نظریه پرداز نیست، بلکه او یک فعال سیاسی و اجتماعی و تأثیرگذار در میدان و معرکه تغییرات و تحولات است.

روشنفکری دینی دو رسالت اساسی دارد:

۱- پالایش باورهای رایج دینی، تفکیک سره از نا سره، بر اساس نصّ اول و اصلی یا قرآن کریم و سیره پیامبر(ص)، پیدا کردن قالب‌های جدید و مناسب با روز، با زمان و مکان، برای ارزش‌ها و آموزه‌های اصیل دینی.

۲- شناخت و فهم مفاهیم بنیادی و زیربنایی مدرنیته و بومی کردن (Domestication) آنها. شهید احمد شاه مسعود، یک نظریه پرداز دانشگاهی یا حوزوی نبود. او یک روشنفکر دینی بود که با اندیشه اسلامی خود به دنبال حل بحران‌های کنونی جامعه افغانستان بود.

دل‌بستگی و پیوند او با روشنفکران دینی کشورهای دیگر اسلامی، نظیر بازرگان و شریعتی از ایران، با نوع فهم و درک او از دین رابطه داشت. احمد شاه مسعود در کنار قرآن کریم، همیشه چند کتاب دیگر نیز به همراه داشت: حافظ، شاهنامه و بعضی از کتاب‌های شریعتی.

۵- اکنون ملت افغانستان با بحران‌های سرنوشت‌ساز روبروست.

اگرچه احمد شاه مسعود در میان شما نیست، اما فکر و اندیشه و روش و منش و بینش او زنده است. او احمد و مسعود بود اما شاه نبود. در منش احمد شاه مسعود، رفتار شاهانه هرگز وجود نداشت. نه رفتار شاهانه داشت و نه در کسوت شاهان بود و نه در کاخ شاهان زیست و نه غذای شاهانه می‌خورد. او به درستی شاه نفس خود را کشته بود. او در انسانیت یک رنگ و با صداقت بود. در گفتار و کردارش دوگانگی وجود نداشت. مردم را به چیزی دعوت نمی‌کرد که خود آن را عمل نکند.

مردم افغانستان او را چنین شناخته‌اند و این رمز محبوبیت اوست.

اندیشه اسلامی احمد شاه مسعود و سنتی که او از دوران مبارزات رهایی بخش پایه‌ریزی کرده است، همچنان می‌تواند راهنمای عمل در این دوران نیز باشد.

در یک کارت پستال یاد بود احمد شاه مسعود آمده است که:

مگر عقاب دگر باره بر نمی‌گردد که کوهساران غمین است و آشیانه تهی

اما من می‌گویم بله کوهسار غمین است و آشیانه تهی است، اما عقاب همچنان بر فراز شهر و سرزمین شما در پرواز است. او زنده است.

هرگز کسانی را که در راه خدا کشته شده اند مرده میندازید. آنان زنده هستند و نزد خداوند روزی دارند.

روزی که آرمان احمد شاه مسعود به تحقق پیوندد و سرزمین او از نیروهای خارجی آزاد باشند، دور نیست.

رسالت ادامه راه مسعود برعهده همه گروه‌ها و احزابی است که خود را پیرو راه او و وفادار به اندیشه‌های فراقومی و فرامذهبی او را می‌دانند، می‌باشد. اگر با هم باشید، متحد و یکپارچه، دست خداهم با شماست. امدادهای غیبی الهی " من حیث لا یحتسب " به شما خواهد رسید.

به امید روزی که ملت افغانستان و همه گروه‌ها و احزاب با تعامل با یکدیگر، بتوانند آرمان صلح و سازندگی و برادری را در سرزمین خود تحقق بخشند و نیازی به حضور نیروهای خارجی نباشد.

برای ملت شجاع و صبور افغانستان آرزوی آزادی و آبادانی را دارم.

والسلام علیکم و رحمته الله و برکاته